

یادداشت: «رییس‌جمهور همه ملت؛» جواد لاری
این روزها برخی از چهره‌های رسانه‌ای‌اصولگرا-نخوابید سیاستمداران اصولگرا - در نوشته‌ها و مصاحبه‌هایشان یک خط خبیری را دنبال می‌کنند که اصلاح‌طلبان در انتخابات ۲۴خرداد شکست خوردند و این اصولگرایان بودند که پیروز شدند. آنها تنها به دلیل سابقه تشکیلاتی حسن روحانی -عضویت در جامعه روحانیت - او را یک چهره اصولگرا می‌خوانند نه اصلاح‌طلب... چرا قبل از انتخابات هیچ‌یک از اصولگرایان دارای تشکل از آقای حسن روحانی حمایت نکردند و حتی یخش سنتی این اردوگاه شامل جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و حزب مؤتلفه اسلامی به صورت رسمی آقای دکتر ولایتی را معرفی کردند؟ ... چرا در تمام مناظره‌های تلویزیونی، پرسش‌ها و نقدهای نامزدان اصولگرا از حسن روحانی درباره دولت اصلاحات و رهبران آن بودا... جریان اصولگرایان اکنون به این نکته توجه کنند که اصلاح‌طلب و اصولگرا و اعتدالی و هر اصطلاح دیگری را دربارۀ رییس‌جمهور منتخب می‌پذیرید، ما هم می‌پذیریم، حسن روحانی هر یک از اینها که باشند یا نباشند، امروز آقای دکتر روحانی رییس‌جمهور همه کشور است؛ حتی همه آنهایی که به او رای ندادند،ملا لنگران نباشید!

بهار

یادداشت: «اصولگرایان عزیز! لطفا سوار تویوتا شوید؛» علی دهقان
در اینجا مدیران اقتصادی در طول هشت‌سال بول ملی را مجاله می‌کنند، صنعت را به دیوار می‌زنند و تولید را آواره اقتصاد می‌کنند، نقدینگی را چند صد برابر افزایش می‌دهند، تورم را دویوله و سیری معیشت را به رویا تبدیل می‌کنند و در آخر نیز می‌گویند: «ما بهترین‌ها هستیم» در واقع اگر مدیران دولتی اقتصاد ناراحت نشوند، باید گفت که تفاوت در همین «ترین‌ها» نهفته است. آنها (خارج‌ها) برند می‌سازند، جهانی‌اش می‌کنند و نامش را به فرق آسمان می‌زنند و اگر جایی برندشان کم بیابورد در مقابل مردم گریه می‌کنند و معذرت می‌خواهند، ولی در اینجا مدیران اجرایی ما توسعه را بر زمین می‌زنند، کپردآمها را شرم‌نده ربال و تومان و دلار می‌کنند و در آخر فیلم هم در مقابل دوربین می‌ایستند و حرف می‌طبلند که بهترین هستیم و اگر مردم هم حماسه‌ای خلق کردند به خاطر علاقه به ما و اندیشه اجرایی و ابزاری ما بوده است! القصه، اصولگرایان عزیز! لطف کنید و کمی تاریخ توسعه را در همین سال‌های اخیر مطالعه کنید، آن‌وقت به‌وضوح می‌بینید، معذرت‌خواهی بسیار آسان‌تر از کاری است که در هشت‌سال گذشته، مدیران مهفکر شما با توسعه در ایران کردند. شک نکنید.

کیتان

سرمقاله: «غرب و پیروزی انتخاباتی روحانی؛» سعادالله زارعی
غرب فهمید که رای به روحانی، رای به تعلیق نیست. در عین اینکه دکتر روحانی نمی‌خواهد روند هسته‌ای را تغییر دهد در عین حال به خوبی هم می‌داند که این و موضوعاتی از این قبیل از دایره اختیارات رییس‌جمهور فراتر است و از یک سو به ملت و از سوی دیگر به شورا‌های فرادستی تعلق داشته و در نهایت به تأیید رهبری نیازمند می‌یاشد و همه می‌دانند که ملت و رهبری با سستی در برنامه هسته‌ای کشور مخالف هستند. از نظر غرب از این نظر که روحانی سیاست‌های خارجی و سیاست هسته‌ای خود را تغییر نمی‌دهد یک مشکل مهم به حساب می‌آید و از این نظر که با یک انتخابات آرام و منطقی با استاندارد روی کار آمده و به اصول و سیاست‌های بنیادی نظام جمهوری اسلامی کاملاً اعتقاد دارد یک فرصت مهم برای جمهوری اسلامی به حساب می‌آید. از نظر غرب، ایران یک فرصت جدید چهارساله پیدا کرده تا با دیالوگ جدید روی اصول و موازین خود حرکت کند و اهداف سیاست خارجی ایران را محقق گرداند.

تاجران

یادداشت: «تانیاهو با این آرزو به گور می‌رود؛» بدالله جوانی
با پیروزی جغتالاسلام و المسلمین حسن روحانی... برخی از شبکه‌های خبری وابسته به استخبار جهانی و رژیم صهیونیستی، با شادمانی اعلام کردند در ایران، مسطرازش در مقابل خط مقاومت به پیروزی رسیده است... دکتر روحانی... در اولین مصاحبه خود با خبرنگاران داخلی و خارجی... این جمله کلیدی را اظهار داشت: «دوران تعلیق گذشته است... بنابراین باید گفت، آرزوی تانیاهو مبنی بر توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران، امکان تحقق نداشته و او باید با این آرزو به گور برود.

تاجران

یادداشت: «به قالیباف خیانت شد؛» حشمت‌الله فلاحت‌پیشه
موضع‌گیری‌هایی که آقای قالیباف مجبور شد داشته باشد و ما نیز با این موضع‌گیری‌های ایشان مخالف بودیم با عملکرد و پیشینه ایشان نمی‌خواند ولی تحت فشار برخی از اصولگرایان ایشان ا موضع‌گیری‌ها را صورت داد تا مرزبندهای مورد خاص برخی از مولگرایان را مشخص کند، ولی دیدیم که این اقدام قالیباف نیز مورد توجه قرار نگرفت و حتی به وی خیانت هم شد این بحثهایی که در حال حاضر صورت می‌گیرد و برخی‌ها می‌گویند ما به آقای جلیلی گفتیم که به نفع قالیباف کنار بکشد جای تعجب دارد. این افراد کسانی بودند که عبارت «هاشمی کوچک» یا «هاشمی جدید» را برای قالیباف خلق کردند... نامزد معلوم انتخابات... شخص قالیباف است... بسیاری از مشکلات وی که به دلیل فشارهای محفلی به ایشان امد باعث شد تا بسیاری از آرای خاستگرسوی از بین برود... قالیباف یک نیرو و مدیر غیرسیاسی بود که گرفتار بازی سیاسی تملیت‌طلب‌های اصولگراشد.

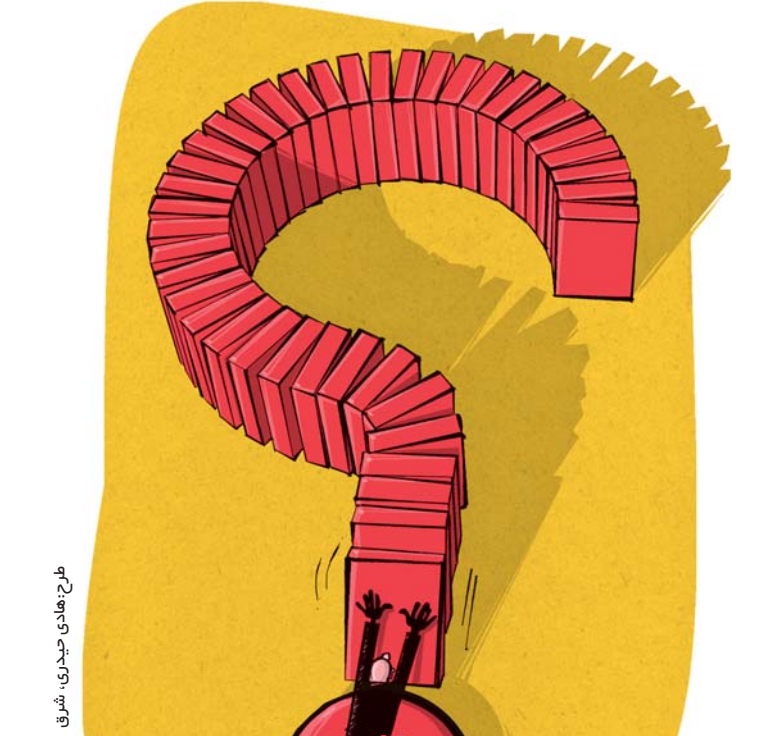
سیاست

ایرانیان چگونه رای دادند

شرق: در انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری از ۵۰میلیون۴۸۲هزار۲۰۲انفر واجد شرایط رای دادن، ۳۵میلیون۴۵۸هزار۷۲۷ رای صبح شمارش شد که از این بین حسن روحانی با کسب ۱۸میلیون۶۱۳هزار۷۳۹ رای، حایز اکثریت مطلق آرا و به‌عنوان رییس‌جمهور مردم ایران انتخاب شد. اما نتیجه تفکیک آرای انتخابات در برخی موارد قابل‌تامل است: حسن روحانی در استان تهران ۴۸درصد آرا را به‌دست آورد در حالی‌که به‌نظر می‌رسید محمدباقر قالیباف با شش‌سال تجربه شهرداری در پایتخت، رقیب جدی او باشد، تنها ۲۵درصد آرا را به‌دست آورد. حسن روحانی در استان‌های یزد (۶۷درصد)، مازندران (۵۳درصد)، هرم‌گان (۵۴درصد)، گلستان (۵۹درصد)، گیلان (۵۸درصد)، کردستان (۵۰درصد)، کرمان (۶۳درصد)، ایلام (۵۸درصد)، کرمانشاه (۴۳درصد)، قزوین (۵۱درصد)، آذربایجان‌غربی (۶۲درصد)، بوشهر (۵۳درصد)، سیستان‌وبلوچستان (۷۳درصد) و فارس (۵۹درصد) رای به دست آورد. با اینکه دو نامزد این انتخابات، قالیباف و سعید جلیلی، متولد مشهد بودند، حسن روحانی در استان‌های خراسان نیز بیشتر از آنها رای آورد. خراسان‌رضوی، ۳۹درصد، خراسان‌شمالی ۴۷درصد و خراسان‌جنوبی ۴۴درصد. حسن روحانی در استان‌های آذری‌زبان نیز بین ۵۰ تا ۶۲درصد آرا را به‌دست آورد.

تحلیل آرای استانی

نکته بعد تحلیل آرای استان‌ها با توجه به نتایج اعلام‌شده است؛ از قرائن اینطور به نظر می‌رسد که در اغلب استان‌های مرزی کاندیدای برنده رای بالاتری داشته است؛ چون در این استان‌ها معمولاً به دو شیوه رای می‌دهند: گاه به کاندیدای غیراصلی رای می‌دهند و رای‌ها جنبه تاکتیکی دارند که این اتفاق در سال‌های ۷۲ و ۸۴ افتاد. از طرف دیگر استان‌های مرزی معمولاً از کاندیدایی حمایت می‌کنند که طرفدار حقوق شهروندی، حقوق اقلیت‌ها و شعار برابری قومی و مذهبی مربوط به شرکت‌کنندگان مانند سنن، جنسیت، پایگاه اجتماعی، شغل، جغرافی، هویت حزبی و نظایر این. فقدان چنین داده‌هایی از نتایج انتخابات و استخراج نتایج به صورت عدد و درصد و به تفکیک نامزدها و محدوده جغرافیایی هیچ محقق اجتماعی نمی‌تواند تحلیل و تفسیر کاربردی انجام دهد. با بیان شفاف و جزئی نتایج آرای انتخابات می‌توان از تغییر رفتار مردم آگاه شد و بر اساس آن برنامه‌های خرد و کلان تهیه و تدوین کرد. داده‌های موجود در مطالعات اجتماعی ما معمولاً از روش‌های دیگر از جمله سرشماری به دست می‌آید افزون‌ن این داده‌ها می‌تواند نامزد پیروز را بیشتر و بهتر با خواسته‌ها و مطالبات مردم آشنا کند.

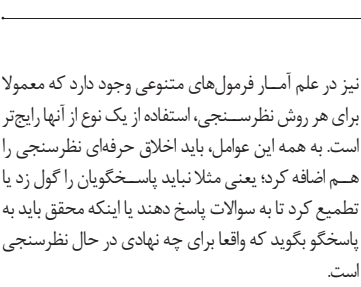


طرح‌های جباری شرق

می‌شود. ولی از آنجا که ما این‌ نظرسنجی‌ها را نداریم پس درباره رای پایایی هر کاندیدا نمی‌توانیم به‌طور قطع صحبت کنیم. به علاوه، تحلیل و بررسی ترکیب واقعی آمار رای‌دهنده‌ها بدون در نظر گرفتن تعداد واجدان شرایط هر استان، تعداد کل رای‌دهنده‌ها و آمار آرای باطله ممکن نیست. ضروری است سهم رای هر یک از نامزدها استان‌ها و شهرستان‌ها واجدان شرایط هر استان و هر شهر را به تفکیک بررسی کنیم یا کسانی که به هر دلیلی در انتخابات شرکت نکردند را مشخص کنیم که متأسفانه این کار را باید وزارت کشور انجام می‌داد که هنوز اعلام نکرده است. گرچه در هیچ دوره‌ای این تفکیک‌ها به‌طور دقیق انجام نمی‌شود. نکته‌بعدی در چارچوب ترکیب نامزدهای رقیب قابل بحث است، به این صورت که نامزد پیروز با هویت مشخصی یا به میدان کارزار گذاشت و از حمایت چندین روزنامه برخوردار بود در حالی‌که سایر نامزدها در طول دوره مبارزات هویت واحدی نداشتند و هرکدام بخشی از هویت اصولگرایان را با خود همراه داشتند. داشتن عناوین اجرایی و تصدی پست سازمانی و البته حداقل با یک روزنامه‌بانشریه به رای‌دهندگان معرفی می‌شدند. برای مثال، نامزدی که از حمایت نشریات محلی چاپ‌قم برخوردار بود، رای‌دوم را در این شهر کسب کرد. البته‌نامزد فاقد هرگونه نشریه نیز در دیرف آخر آرا فر گرفت. ترکیب آرای تعدادی از نامزدها در برخی از استان‌ها به هویت و شهرت محلی و پایگاه جغرافیایی آنها مربوط می‌شود. به‌علاوه نقش شخصیت‌های سرشناس مانند آقایان خاتمی، عارف و هاشمی روی رای اصلاح‌طلبان در استان‌های یزد و کرمان به نظر می‌رسد تأثیر زیادی داشته است. اما از آنجایی که ساختار انتخاباتی ما فاقد حزب است، نمی‌توانیم نفوذ هر یک از نامزدها را در این شهرها براساس هویت حزبی بررسی کنیم. در این دوره کمترین اعلامیه‌ها در حمایت از کاندیدها در مطبوعات چاپ شد و در و دیوار رنگ سیاست بر خود نگرفت و آنچه در هفته آخر مشاهده شد، بیشتر به شوراها مربوط می‌شد.

نقش سفرهای استانی

عامل موثر دیگر کمپین انتخاباتی این دوره سفرهای استانی بود که درباره برخی از نامزدها قابل توجه است. برای مثال، جهت و شدت آرا در سه استان خوزستان، کهگیلویهوبوشهر احمد و چهارمحال‌وختیاری به نفع نامزد فعال و شناخته‌شده متمرکز بود. اینکه گفته می‌شود استان‌های مرزی به قومی و زبانی رای می‌دهند یا ترکیب آرا در دوره‌های مختلف ریاست‌جمهوری رد می‌شود به جز موردی که فرض بر دومرحل‌ای شدن بوده است، این یک نوع نگاه سطحی است چرا که انتخابات ریاست‌جمهوری با شورای شهر و نمایندگی مجلس خیلی فرق می‌کند و در اینجا مردم با دلایل کلان کشوری و نه منطقه‌ای و استانی رفتار از خود نشان می‌دهند و نگاهشان با مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، سیاست خارجی و فرهنگی در سطح کلان است. اما الگوی شهری و خواسته‌های شهروشنیان و حقوق بشر و آزادی‌های فردی و برابری قومیتی همواره تأثیرگذار است. فراموش نکنیم که رفتار رای‌دهی اغلب مردم بر مبنای تعقل است و در رای‌دادن خود از یک طرف دولت‌های قبلی و کارنامه آنها را ارزیابی می‌کنند، بنابراین همواره بخشی از آرا نه به ادامه وضع موجود است و از سوی دیگر به برنامه‌ها توجه دارند که به نظر می‌رسد در نهایت شعار تدبیر و امید از بقیه پیشی گرفته است. در پایان یک سوال باقی می‌ماند که چرا سهم نامزد پیروز در استان زادگاهش درصد قابل‌توجهی رقم نزد؟ شاید این هم از عجایب این دوره باشد.



طرح‌های جباری شرق

نیز در علم آمار فرمول‌های متنوعی وجود دارد که معمولاً برای هر روش نظرسنجی، استفاده از یک نوع از آنها رایج‌تر است. به همه این عوامل، باید اخلاق حرفه‌ای نظرسنجی را هم اضافه کرد؛ یعنی مثلاً نباید پاسخگویان را گول زد یا تطمیع کرد تا به سوالات پاسخ دهند یا اینکه محقق باید به پاسخگو بگوید که واقعا برای چه نهادهی در حال نظرسنجی است.

حال به این سوال می‌رسیم: آیا نظرسنجی‌هایی که در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران انجام می‌شدند، نظرسنجی‌هایی انعکاس‌دهنده واقعیت و معتبر بودند؟ پاسخ این است که اگر در تمام مراحل نظرسنجی، مدیران نظرسنجی تلاش می‌کرده‌اند که خطاها را کنترل کنند و به «اعتبار» و «پایایی» قابل‌قبولی برسند، این نظرسنجی‌ها انعکاس‌دهنده واقعیت بوده و در غیر این صورت، نظرسنجی با انواع خطاهای روشی، قاعد اعتبار بوده است. وقتی یک سایت پربیننده خبری حتی با ۴۰هزار پاسخگو نظرسنجی برگزار می‌کند و سپس اعلام می‌کند که طبق آن نظرسنجی، اقبال مردم به یک نامزد بیشتر شده، خطای نمونه‌گیری را وارد نظرسنجی کرده است و همین خطا به «اعتبار» نظرسنجی لطمه می‌زند درحالی‌که یک سازمان حرفه‌ای ممکن است با نظرسنجی تلفنی از فقط دو هزار نفر، بتواند آماری بسیار واقعی‌تر از رای‌دهندگان را به دست بیاورد. جالب اینجاست که نتایج بسیاری از نظرسنجی‌های ستاده‌های هر یک از نامزدها، آن نامزد را دارای بیشترین رای می‌دانست که نشان از خطای سوگیری در پرسشنامه‌ها، نمونه‌گیری‌ها و جمع‌آوری نتایج بود. مساله دیگر، این است که معمولاً نهادهای معدودی در ایران قادر دارند که نظرسنجی در سطح وسیعی انجام دهند و هر سازمانی نمی‌تواند در سراسر کشور نظرسنجی برگزار کند و همین محدودیت باعث می‌شود که سایر نهاده‌ها و ستاده‌ها به نتایج معیوب و دارای خطاهای زیاد نظرسنجی‌شان بسنده کنند. نکته کلیدی دیگر نیز این است که نظرسنجی معمولاً کاری پرهزینه است و با بودجه‌های اندک، کسی کند که به بالاترند دسترسی دارند یا فقط زبان فارسی را می‌فهمند «پایایی» نیز یعنی اینکه اگر در همان زمان و مکان، از همان جامعه آماری نظرسنجی مشابهی انجام شود، محقق به نتایج مشابهی با نظرسنجی قبلی برسد. بنابراین وقتی دو نهاد در نظرسنجی برای انتخاب، در یک زمان و مکان و جامعه آماری همسان به دو نتیجه کاملاً متفاوت می‌رسند، باید در پایایی این نظرسنجی‌ها شک کرد. برای مشخص کردن اعتبار و پایایی نه انطباق نتایج کارشان با واقعیت.

خبر

سوریه محور گفت‌وگوی رئیس‌جمهوری لبنان با روحانی

● شرق: سوریه و مشکلات منطقه از محور پیام‌های تریک همسایگان و کشورهای منطقه خلیج‌فارس به موضوع اصلی گفت‌وگو با حسن روحانی، رییس‌جمهور منتخب ایران تبدیل شده است. میشل سلیمان، رییس‌جمهور لبنان روز یکشنبه در تماسی تلفنی با حسن روحانی، رییس‌جمهور منتخب ملت ایران گفت‌وگو کرد. به گزارش «مهرو»، «میشل سلیمان» در این تماس تلفنی گفت: ما به شما امید بستیم تا با کمک شما منطقه از شرایط موجود خارج شود و ما به تفکر و خطمشی شما و دولتی که تشکیل خواهید داد، برای نجات منطقه و به‌ویژه سوریه دل‌تساییم. روحانی نیز خطاب به رییس‌جمهور لبنان با تشکر از تماس و پیام تریک وی گفت: سیاست جمهوری اسلامی ایران کمک به ملتها و دولت‌های منطقه است و راحل رفع مشکلات منطقه و به‌ویژه سوریه را نظامی نمی‌دالم بلکه به‌دنبال فراهم آوردن آتش‌بس در سوریه هستیم تا از کشتار جلوگیری شود. رییس‌جمهوری منتخب افزود: توجه می‌دهیم تـا خارج‌ها در امور سوریه دخالت نکنند و معتقدیم مردم سوریه برای سرنوشت خود باید خود تصمیم بگیرند. رییس‌جمهور لبنان در پایان این تماس تلفنی با تشکر از مواضع رییس‌جمهور منتخب گفت:مواضع شما امیدوار کننده و دلگرم‌کننده است. وزیر خارجه لبنان نیز که از روز شنبه در تهران به‌سسر می‌برد، روز یکشنبه با حسن روحانی، دیدار کرد. عدنان منصور در این دیدار ضمن تریک پیروزی حسن روحانی در انتخابات خواستار افزایش تعاملات بین دو کشور در آینده شد. منصور پس از این دیدار، گفت: دو کشور ایران و لبنان روابط قوی و مستحکم دارند و من در این دیدار پیام تریک رییس‌جمهور، نخست‌وزیر و رییس پارلمان لبنان را به‌مناسبت انتخاب رییس‌جمهور منتخب به دکتر روحانی اعلام و برای وی آرزوی توفیق و پیروزی کردم. عدنان منصور همچنین گفت: درباره روابط وجانبیه و مسایل منطقه به‌ویژه اوضاع سوریه در این دیدار بحث شد زیرا پیامدهای اوضاع سوریه بر کل منطقه تأثیر دارد و ما هم بخشی از این منطقه هستیم و امنیت و ثبات این کشور مرتبط با امنیت ماست. وی افزود: دو کشور ایران و لبنان دیدگاه‌های مشترکی درباره توقف ارسال سلاح به سوریه، برقراری امنیت و حل سیاسی و مسالمت‌آمیز موضوع سوریه دارند و معتقدند حل موضوع سوریه جز از طریق گفت‌وگوی دولت و معارضان ممکن نیست.

ادامه از صفحه ۳

انتخابات ۹۲، بازی «برد – برد»

نقشه‌های زندگی مردم در جامعه معاصر ایرانی را شاید بتوان بر مبنای مفهوم-مرکزی آنها و تاکید پایایی آنها حداقل به پنج نقشه دسته‌بندی کرد: ۱. تاکید بر ملت و قومیت ۲. تاکید بر پیشرفت و ترقی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۳. تاکید بر اسلامیت ۴. تاکید بر آزادی و ۵. تاکید بر برابری این به آن معنا نیست که این پنج مفهوم نتوانند ترکیب شوند ولی به هر حال در هر دوره بر حسب مسایلی که وجود دارد هر بخشی از جامعه به یک یا چند مفهوم، تاکید خاصی دارد و راهبردهای یک اجتماعیی خود را بر مبنای آن تنظیم می‌کند. برای مثال در استاتن‌های پیرامونی ممکن است قومیت و حقوق قانونی مربوط به آن اهمیت داشته باشد. یا برای گروه‌های نادار و کم‌درآمد که متأسفانه در زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می‌دهند، برابری و عدالت و سیاست‌های کارآمد، توزیع متوازن رفاه اجتماعی خیلی مهم و حیاتی است. این طبقات متوسط جدید که متأسفانه در سال‌های اخیر روبه زوال بودند، آزادی‌های مدنی و سیاسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اصلاح‌طلبان در بعد از خرداد ۷۶ طی دو دوره ریاست‌جمهوری عمدتاً به بخشی از مطالبات طبقات متوسط جدید شهری مانند آزادی‌های مدنی و سیاسی توجه نشان دادند. نتیجه‌اش این شد که در انتخابات ۸۴ گروه‌های وحوش آقای احمدی‌نژاد با شعارهای عدالت اجتماعی و توزیع رفاه نتوانستند آرای بخشی از قشرهای کم‌درآمد و محروم را به خود جلب کنند. اما این گروه‌ها نیز در طی دو دوره عملکرد خود نتوانستند رفاه پایداری را برای قشرهای محروم فراهم آورند و با تنش زبانی-و فرهنگی، انواع تهدیدهای خارجی و تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی روی دست ودش مردم گذاشتند، در نتیجه شاهد بودیم که اکثریت مشترکی هم از طبقات پایین و هم طبقات متوسط به شعار‌های اعتدالگرایی و وعده‌های برطرف‌کردن تهدیدها و تحریم‌ها دل بستند. چارهای دیگر نتوانستند، گویا بالا‌آلا‌ها ما باید تا توسعه زیرساخت‌های دموکراسی در ایران، از این‌ن نوع حرکت‌های پاندولی داشته باشیم، راهی نیز جز این نیست که نتیجان سیاسی چه پیروزی‌های این دوره و چه ناکامی‌های این دوره را با تنش زبانی-و فرهنگی، انواع تهدیدها و تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی تا به همراه توزیع و تعمیم رفاه و آن دو را پایه‌پای ایران برای تمام ایرانیان و حقوق همه دنبال کنند، از ریشه‌های تاریخی پرتوقد اسلام در این جامعه نیز غفلت نوزند و پیشرفت و توسعه ملی را از این طریق پیش برند.